

## اخته شدن کنشگری علمی در دانشگاه

مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

پدیده پری‌دری<sup>۱</sup>منصور وثوقی<sup>۲</sup>مصطفی ازکیا<sup>۳</sup>

## چکیده

مدرک‌گرایی، سرقت و تقلب علمی، بی‌انگیزه بودن دانشجویان، صندلی‌های خالی، فرسودگی تحصیلی دانشجویان، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی همگی شواهد یک بحران علمی بی‌سابقه در ایران است که بی‌شک رسیدن به دلایل آن، مستلزم شناخت دنیای دانشجویان و فهم تجربه زیسته آنان است. وفق پارادایم تعریف اجتماعی، برای فهم پدیده‌های اجتماعی باید به دنیای ذهنی، ارزشی و نیت کنشگران دست یافت، زیرا ویژگی‌های عینی جامعه، بر مبنای دنیای ذهنی کنشگران استوار است. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل وضعیت کنشگری علمی در دانشگاه‌های ایران در تلاش بوده تا به توصیف درک و تفسیر کنشگران پیرامون تحصیل و دانشگاه و به کشف الگوهای کنشگری آنان در میدان علمی بپردازد. بر این اساس، روش‌شناسی پژوهش، برساختی-تفسیری، و روش انجام پژوهش، نظریه بنیانی و جامعه‌مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند و پس از کدگذاری مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. مدل پارادایمی تحقیق با محوریت مفهوم اخته شدن کنشگری علمی به عنوان هسته مرکزی بر اساس یافته‌ها و استنباط نظری محقق، استخراج گردید. استادان وارونه و کم‌داشت‌های ساختاری به عنوان شرایط علی، بحران معنا به عنوان شرط مداخله گر، و نظام شخصیت و هژمونی سنت‌های پوسیده به عنوان بستر و زمینه منجر به توسعه اخته شدن کنشگری علمی شدند. در این شرایط راهبرد دانشجویان، علم‌آموزی خودخواهانه، اعتراض پنهان، تقلب، انزوا و مهاجرت بود و پیامدهای این انتخاب، زوال اخلاق حرفه‌ای، ناامیدی و سرخوردگی، اشتغال غیرمرتبط با رشته تحصیلی، بیکاری، افسردگی و اعتیاد دانشجویان بوده است.

**کلیدواژگان:** نظریه بنیانی، کنش، کنشگر، اخته شدن کنشگری علمی.

<sup>۱</sup> مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی نظام معنایی علمی کنشگران در دانشگاه‌های ایران

\* دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، گرایش مسایل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Padideh.paridari@gmail.com

\*\* استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

vosoghi\_mn@yahoo.com

\*\*\* استاد تمام گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

Mostafa\_azkia@yahoo.com

## مقدمه و بیان مساله

آموزش عالی در ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است و دانشگاه از ایفای نقشی که برای آن خلق شده، ناتوان است و ثمره تلاشها و هزینه‌های فراوان در نظام علمی، چیزی جز مسائل و بحرانهای عدیده نبوده است. دانشگاه باید بتواند به پیوندهای اجتماعی، تحرک اجتماعی، شغلی و جغرافیایی افراد کمک کند و با نهادینه ساختن علم، هنجارها و انگیزشهای لازم برای رفتارها و کنشهای اعضای جامعه علمی را فراهم نماید (قانع‌ی راد، ۱۳۸۱). این در حالی است که کارکرد امروزی علم در جامعه ما، دکوراتیو و سرگرم کردن جوانان شده است (رفیع پور، ۱۳۸۳). دانشگاه نتوانسته نقش مورد انتظار خود در تولید علم را ایفا بکند. لذا نوعی ناکامی، انحراف، نقصان عمیق و بحران در عملکردهای نهاد دانشگاه دیده می‌شود.

توسعه هر کشور، در دستان توانمند نیروی انسانی است، و چشم امید به دانش‌آموختگان و فرهیختگان کشور است. بحران کنونی علم در کشور ایران، کم خطرتر از بحران آب نیست؛ ۳۵۱ هزار صندلی خالی در کنکور سال ۱۳۹۵ در ایران، نشان از قطع امید از آینده تحصیل و دانشگاه و دلزدگی جوانان و خانواده‌های آنان در پشت درهای دانشگاه است. تراژدی واقعی اما در درون دانشگاه‌ها در حال رخداد است.

وضعیت کنونی، حاکی از بحران علمی و عدم تعادل دانشگاه‌ها در ایران است؛ ۱- نقص و تاخر در جامعه پذیری و تعویق آن تا ورود به نظام آموزش عالی، ۲- ضعف سرمایه اجتماعی در دانشگاه (مرجانی، ۱۳۹۹)، ۳- مدرک گرایی (معین، ۱۳۹۶)، ۴- فروش تحقیق و پروژه دانشگاهی (داروییان، ۱۳۹۰)، ۵- بی انگیزه بودن دانشجویان (مولوی، ۱۳۸۶)، ۶- مشغولیت دانشجویی پایین (منیعی، ۱۳۹۶)، ۷- فرسودگی شغلی اعضای هیات علمی (نورشاهی، ۱۳۹۵)، ۸- فرسودگی تحصیلی دانشجویان (حسینی، ۱۳۹۶)، ۹- سرقت و تقلب علمی (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۰)، ۱۰- بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی (صنعت خواه، ۱۳۸۸). در پس این رفتارها، بی‌شک یک نظام معنایی وجود دارد که توجیه کننده کنش‌ها در میدان علم است؛ نظامی برگرفته از الگوهای مشترک و میان ذهنیتی. این ارزیابی و تفسیرها به مکانیسم بازاندیشی<sup>۲</sup>، عادی شدن<sup>۳</sup> و خلق یک نظم نهادی<sup>۴</sup> می‌انجامد. تا از نظام معنایی کنشگران و الگوهای کنش آنان در حوزه علم ابهام زدایی نشود، برنامه ریزیها و سیاستگذاریها در حوزه آموزش عالی، بی‌اثر و صرفاً یک آموزش خالی باقی خواهد ماند. دانشگاه به عنوان یک واقعیت اجتماعی، وابسته به متن اجتماعی<sup>۵</sup>؛ و محصول کنش‌های انسانی است، و وجودی مستقل از کنشگران آن صحنه ندارد. براساس پارادایم تعریف اجتماعی، برای فهم پدیده‌های اجتماعی باید به دنیای ذهنی، ارزشی و نیات کنشگران دست یافت، زیرا ویژگی‌های عینی جامعه، بر مبنای دنیای ذهنی کنشگران استوار است (ریتزر، ۱۳۷۷، ۳۰۱-۳۰۰). برای درک مسئله حاضر، باید کنش‌های متقابل و معنای آنها که در سطح بالاتر تبدیل به ساختارها و واقعیات عینی کلان‌تر می‌شود، را درک و فهم کرد. بررسی وضعیت فعلی دانشگاه، شناخت و درک چرایی

<sup>۲</sup> Reflexivity

<sup>۳</sup> Routinization

<sup>۴</sup> Institutional Order

<sup>۵</sup> Social Context

مسائل فعلی آن، منوط به شناخت وضعیت کنشگری و ارزش‌های ذهنی کنشگران میدان علم است و نیازمند جست و جوی جامعه‌شناختی عمیق و توصیف فربه<sup>۶</sup> از واقعیت موجود آن در جامعه کنونی است.

### چارچوب مفهومی

چارچوب نظری این تحقیق، در حوزه کنش از تلخیص نظرات پارسونز، وبر، گیدنز، و در حوزه آموزش و دانشگاه، متأثر از نظریات انتقادی هابرماس، بوردیو، فریره، فاشیون، ویگوتسکی، گالتونگ و کاستلز است. کنش از نگاه تالکوت پارسونز<sup>۷</sup> به رفتار انسانی اطلاق می‌شود که انگیزه و راهنمای آن معانی باشد؛ معانی که کنشگر در دنیای خارج می‌یابد و به آن حساسیت نشان می‌دهد. کنش یعنی آگاهی و حساسیت به پیام‌هایی که کنشگران از معانی چیزها در محیط دریافت می‌کنند. دو چیز کنش را احاطه کرده است؛ ۱- شرایط مادی و محیطی، ۲- شرایط فرهنگی-نمادی (شفق، ۱۳۸۶، ۱۵۹). کنش در خلاء رخ نمی‌دهد. ارزش‌های همراه با کنش، از بیرون بر افراد تحمیل نمی‌شوند بلکه در مناسبات متقابل‌شان با جامعه ایجاد می‌شود. گزینش فردی به وسیله هنجارها، ارزش‌ها، افکار، موقعیت‌ها و نظایر آن محدود می‌شود (کرایب، ۱۳۸۱، ۵۵). کنش از نگاه ماکس وبر<sup>۸</sup>، عبارت است از تمام رفتارهای انسانی که در آن فرد کنشگر، معنای ذهنی به رفتارشان نسبت می‌دهد. کنش در این معنا ممکن است شامل مداخله مثبت در یک موقعیت، یا خودداری عمدی از چنین مداخله‌ای یا پذیرش منفعلانه وضعیت باشد. از نگاه آنتونی گیدنز<sup>۹</sup>، کنش مستلزم قدرت یا توانایی تغییر شکل موقعیت است. عوامل انسانی را نمی‌توان محصول فرهنگ و نیروهای طبقاتی پنداشت. آنها واجد قابلیت بازاندیشی مورد کنش خود هستند. ساختار اجتماعی به وسیله کنشگران فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد و با استفاده از مشخصه‌های ساختار، همین ساختار به وسیله آنها متحول می‌شود. کنشها غالباً به نتایجی می‌انجامد که با آنچه نیت کرده ایم، تفاوت دارد.

### کنش علمی

مطالعه رفتارهای دانشجویان از دهه ۱۹۸۰ شدت گرفت. کنش علمی به رفتاری اطلاق می‌شود که ۵ ویژگی مهم را داشته باشد: تغییر استراتژی، ۲- یاری طلبی به‌هنگام، ۳- چالش طلبی ۴- مقاومت و ۵- پاسخ به موانع. مشغولیت دانشجویی<sup>۱۰</sup> اصطلاحی است که اشاره دارد به میزان فعالیتهای درون/بیرون دانشگاهی با در نظر گرفتن دو بعد زمان و تلاش دانشجویان تا یادگیری افزایش یابد (حیدری، ۱۳۹۳، ۳۶۷). این مفهوم، در واقع نوعی سرمایه‌گذاری روانشناختی و عبارت است از تلاش مستقیم برای یادگیری، فهمیدن و تسلط در دانش، مهارت‌ها و هنرهایی که در واقع فعالیتهای تحصیلی برای ارتقای آنها صورت می‌گیرد. فراگیرانی که مشغولیت تحصیلی خوبی دارند، به طور منظم در کلاس درس حضور دارند، روی یادگیری مطالب متمرکز می‌شوند، به مقررات مؤسسه آموزشی متعهد هستند، نمرات بالاتری کسب می‌کنند و در آزمونهای استاندارد عملکرد بهتری از خود بروز می‌دهند. در مقابل، فقدان مشغولیت تحصیلی می‌تواند پیامدهای جدی از جمله کندی پیشرفت تحصیلی، رفتارهای چالش برانگیز، خطر مردودی و ترک تحصیل را برای فراگیران داشته باشد و به همین دلیل بسیار مورد توجه قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۳، ۳۶۸).

<sup>۶</sup> Thick Description

<sup>۷</sup> Talcott Parsons

<sup>۸</sup> Max Weber

<sup>۹</sup> Anthony Giddens

<sup>۱۰</sup> Student Engagement

دانشگاه‌ها به مثابه عالی‌ترین جایگاه تبلور اندیشه و تعالی افکار، مناسب‌ترین بستر پدیداری خلاقیتها و نوآوریها و دستیابی به بالاترین قله علوم و فنون و مطلوب‌ترین سنگر پاسداری از ارزشها، بیشترین مسئولیت را در اصلاح و هدایت جامعه و پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی مردم بر عهده دارند. فلسفه وجودی دانشگاه و انتظارات از آن، بطور خلاصه در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول شماره ۱: انتظارات و فلسفه وجودی دانشگاه

شمار	فلسفه وجودی دانشگاه	انتظارات از دانشگاه
۱	انضباط فکری	رویه تفکر و تحقیق
۲	جستجوی بیطرفانه حقیقت	انصاف و احترام به حقایق علمی
۳	ارتباط خلاق با جامعه	حل مسئله و انسان خلاق
۴	مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی	تربیت مغزهای متفکر و واگرا
۵	پرهیز از تقلب	علم به خاطر علم
۶	صداقت علمی	یادگیری مداوم
۷		تقویت هویت علمی

منبع: (صفایی موحد، ۱۳۹۶).

### نظریه انتقادی یورگن هابرماس ۱۱ به امر آموزش

از نظر هابرماس، رسالت دانشگاه‌ها در جامعه مدرن عبارت است از انتقال دانش از نظر فنی قابل بهره برداری؛ یعنی هم باید نیاز جامعه صنعتی به نسل‌های متخصص جدید را برآورده سازد و هم به فکر بازتولید گسترده یا اشاعه آموزش در سطح بسیار وسیع باشد. دانشگاه سه مسئولیت و رسالت خطیر دیگر نیز بر عهده دارد: ۱- تضمین کند فارغ التحصیلان از حداقل ویژگی‌های لازم در حوزه توانایی‌های فوق کارکردی یا خارج از حد وظیفه برخوردار باشند. ۲- انتقال، تبیین و اشاعه سنت فرهنگی جامعه. ۳- خود آگاهی سیاسی دانشجویان را شکل می‌دهد (نوذری، ۱۳۷۳، ۹۲-۹۱).

### بوردیو<sup>۱۲</sup> و انسان دانشگاهی

دانشگاه، ابزار بازتولید فرهنگی است؛ پیوسته به اعطای پاداشهای جبرانی و توزیع جوایز دلخوش‌کننده میان دانشجویان متوسل می‌شود تا درک واقعی آنها درباره خود و دیگران را مخدوش کند. اینچنین است که دانشگاهیان متمایز می‌شوند و این کارکرد سبب کنار گذاشتن و حذف خودانتقادی و خودشناسی آنها می‌شود و زمینه را برای توسعه باورهای کاذب علمی در آن‌ها فراهم می‌آورد. خود فریبی مشکل اصلی دانشگاه‌ها است و این کار از طریق مخدوش سازی واقعیت‌های مورد مطالعه صورت می‌گیرد. مهم‌ترین کارکرد دانشگاه شکل بخشیدن به هویت آکادمیک است. در میدان دانشگاه، دانشجویان و استادان طبق نظامی از ترجیحات اندوخته، تقسیم‌بندی ساختارهای شناختی پایدار در طرح‌های کلی و ترتیبات کنشی مشترک در گروه اجتماعی، عمل می‌کنند (یمنی، ۱۳۹۷، ۷).

<sup>۱۱</sup> Jürgen Habermas

<sup>۱۲</sup> Pierre Bourdieu

### تعلیم و تربیت انتقادی پائولو فریره<sup>۱۳</sup>

ویژگی یک سوژه، توانایی انتخاب و تغییر واقعیت است؛ چنانچه انسان توانایی تغییر واقعیت را نداشته باشد، ناگزیر خود را با آن سازگار می‌کند. پیدایش سازش‌پذیری در انسان، نشانه بیماری نانسانی شدن است (راجی، ۱۳۹۱، ۱۲۳). آگاهی انتقادی، خاص جوامع دموکراتیک است و نه جوامع تمامیت خواه. فرایند الگوی تربیتی فریره، پنج مرحله را به شرح زیر شامل می‌شود: ۱- هدف تعلیم و تربیت انتقادی، توانمندسازی فراگیران است. ۲- روش تعلیم و تربیت مبتنی بر گفتگو است. ۳- تعلیم و تربیت انتقادی، دیدگاه‌های فراگیران درباره واقعیت را توسعه می‌دهد. ۴- تعلیم و تربیت همراه با تغییر و دگرگونی در فرد و در جامعه است. زیرا، با انسان سرکوب شده، هیچ توسعه امکان‌پذیر نیست. ۵- چیزی به نام آموزش بی‌طرف وجود ندارد. ۶- تعلیم و تربیت بر امید استوار است (راجی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۰-۱۲۷).

ریشه ستم‌پذیری در نگاه فریره آموزش تلقینی یا آموزش بانکی است؛ مهمترین ویژگی این نوع آموزش، برخورداری از لحن و زبان جذاب و ناتوانی در ایجاد و تغییر است؛ نقش یادگیرنده در این نوع از آموزش صرفاً به حفظ، یادآوری و بازگویی جملاتی محدود می‌شود که شنیده است، بی آنکه محتوای آنها را ژرفکاو کند. هدف آموزش تلقینی چیزی نیست جز عادت دادن افراد به روش یادگیری مکانیکی محتوای درس و تبدیل آنها به ظرف خالی تا استاد سخنان و مطالب خود را در آن بریزد و استاد در انجام این وظیفه هر چه توانا تر باشد لیاقت بیشتری دارد و ظرف پرت‌ر دانشجو دلیل بر درخشندگی او است.

### ابعاد تفکر انتقادی از نگاه فاشیون<sup>۱۴</sup>

گرایش به تفکر انتقادی، متضمن داشتن مهارت آن نیست، داشتن مهارت تفکر انتقادی تمایل به استفاده از تفکر انتقادی را تضمین نمی‌کند و یک فرد ممکن است استاد مهارت‌های تفکر انتقادی باشد، بدون اینکه حتی به صورت حداقلی متمایل به استفاده از این مهارت باشد. بنابراین برخورداری از هفت ویژگی برای یک شخصیت متفکر انتقادی لازم که شامل موارد زیر است: ۱- اطمینان به خود، ۲- حقیقت‌جویی، ۳- خردمندی، ۴- کنجکاوی، ۵- انتظام فکری، ۶- تحلیل‌گری، ۷- آزاد اندیشی.

### ساخت اجتماعی دانش از منظر لو ویگوتسکی<sup>۱۵</sup>

یادگیرنده دانش خود را می‌سازد؛ دانش‌آموزان در تفسیر رویدادها و موضوعاتی که با آنها مواجه می‌شوند از تجارب قبلی، ساختار روانی و اعتقاداتشان بهره می‌برند. ما درک خود را از جهان با تأمل بر تجربیاتمان می‌سازیم. هرکدام از ما "قواعد" و "الگوهای ذهنی" خاص خود را تولید می‌کنیم. ۱- یادگیری، دریافت و حفظ منفعلانه اطلاعات نیست، بلکه نوعی فرایند مفهوم‌سازی فعال است. ۲- یادگیری جدید به دانش قبلی یادگیرنده وابسته است. ۳- یادگیری مستلزم تجدید سازماندهی طرحواره‌های مفهومی قبلی یا نقشه‌های شناختی است. ۴- یادگیری به وسیله تعاملات اجتماعی تسهیل می‌شود. ۵- یادگیری معنی‌دار درون تکالیف یادگیری معنی‌دار رخ می‌دهد.

### نقد فردریش نیچه<sup>۱۶</sup> به آموزش عالی

<sup>۱۳</sup> Paulo Freire

<sup>۱۴</sup> Peter A. Facione

<sup>۱۵</sup> Lev Vygotsky

<sup>۱۶</sup> Friedrich Nietzsche

فرهنگ بیمار یعنی آشفتگی فکری اکثر آدمیان؛ در چنین جامعه‌ای فرهنگ ناسالم حکومت می‌کند و انسان بالا مفهوم چندانی ندارد. عده‌ای هم‌نوعان خود را استثمار می‌کنند و ماسک روشنفکری به چهره می‌زنند و تار فرهنگ جامعه خود را می‌تند. اینان را باید روشنفکران وارونه خواند؛ چون در وجودشان هر چیزی به غیر از روشنفکری یافت می‌شود (برخورداری، ۱۳۹۶، ۴-۳).

### فرهنگ دانشگاهی از نگاه گالتونگ<sup>۱۷</sup>

هر جامعه‌ای فرهنگ دانشگاهی خاص خود را تولید می‌کند، فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید. بنابراین این جامعه است که الگوها و استانداردهای لازم آموزش و پژوهش و موثر در فرایند یادگیری و انتقال علم را مشخص می‌کند. گالتونگ چهار نوع فرهنگ دانشگاهی و سبک فکری را از یکدیگر متمایز می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۸، ۱۰۵ به نقل از فاضلی ۱۳۸۲: ۱۰۳).

### هویت از نگاه کاستلز<sup>۱۸</sup> و فرآیند شکل‌گیری هویت دانشگاهی

تربیت انسان دانشگاهی، مستلزم فراهم شدن محیط دانشگاهی و برنامه درسی مناسب و شایسته و ترغیب‌کننده است. انسان دانشگاهی در هر رشته تحصیلی باید علاوه بر مجموعه‌ای از دانشها و اطلاعات فنی و تخصصی، مجموعه‌ای از ارزشها و باورهای اخلاقی، روحیه و نگرشهای خاصی را بشناسد، آنها را باور کند و درونی سازد. بدون وجود این ارزشها و باورها، آگاهی فنی و تخصصی و دانش یا به درستی آموخته نمی‌شود یا در صورت آموزش و یادگیری مجال اعمال و به کار گرفتن آنها را نمی‌یابد. به هر حال صرف عضو بودن در دانشگاه، به معنای انسان دانشگاهی بودن نیست؛ بلکه عضویت اگر همراه با درجاتی از جامعه‌پذیری دانشگاهی و کسب هویت دانشگاهی باشد می‌توان گفت فرد، انسان آکادمیک است (همتی، ۱۳۹۳، ۵۶۳).

### بیگانگی دانشگاهی بورديو

بیگانگی دانشگاهی اصطلاحی است که برای توضیح و جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری استفاده می‌شود؛ وضعیت تجربه انزوا از یک گروه دانشگاهی که شخص باید به آن تعلق یا درگیر آن باشد. اگرچه زمینه‌های اولیه بیگانگی از دانشگاه می‌تواند از دوران مدرسه و دبیرستان شروع شود اما شواهد نشان می‌دهد احساسها و نگرشهایی مانند خستگی در کلاس، عدم درگیر شدن عمیق در مباحث کلاس، غیبت‌های مکرر، سرقت ادبی و کپی برداری از آثار دیگران، طولانی شدن فرآیند تکمیل پایان‌نامه، احساس بیهودگی تحصیل در رشته‌های علوم انسانی، داشتن زندگی ذهنی و غیر واقعی، طرح واقعیت‌های جامعه و احساس عدم کنترل فردی به زندگی و هویت فردی - اجتماعی موجب بروز پدیده بیگانگی در میان دانشجویان نسبت به تحصیل و دانشگاه شده است. مقررات موجب کژکارکردی افراد می‌گردد و تلاشهایی که افراد از خود ارائه می‌دهند، موجب می‌شود که آنها هرچه بیشتر در ناکامی و شکست موتور شوند (فیروزجائیان، ۱۳۹۷، ۱۱۴ به نقل از وثوقی ۱۳۹۲).

### تعریف مفاهیم

<sup>۱۷</sup> Galtung

<sup>۱۸</sup> Manuel Castells

- نظام معنایی: تفاسیر، ذهنیت‌ها و معانی بین‌ذهانی کنشگران است که زمینه ساز درک و تفسیر آنان از شرایط، فرآیند و پیامدهای کنش آنها است (سپهری منش، ۱۳۹۱).
- کنش: به رفتار انسانی اطلاق می‌شود که انگیزه و راهنمای آن معانی باشد؛ معانی که کنشگر در دنیای خارج می‌یابد و به آن حساسیت نشان می‌دهد. کنش یعنی آگاهی و حساسیت به پیام‌هایی که کنشگران از معانی چیزها در محیط دریافت می‌کنند. در اینجا، تنها ذهنیت کنشگر مهم نیست بلکه وضعیت نیز مهم است؛ چون کنشگر مجموعه نشانه‌ها را از محیط دریافت می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد و بر مبنای این دریافت، واقعیت را می‌سازد.
- کنشگر: فردی است که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی با افراد دیگر قرار می‌گیرد و از طریق حضور اجتماعی خود، به نظام اجتماعی، امکان وجود و تداوم یافتن می‌دهد. به عبارتی، بعد اجتماعی او بر بعد فردی غلبه دارد.
- کنشگر علمی: مهم‌ترین هدف و دل‌مشغولی‌اش تعقل، تولید علم، گفت‌وگو، نوشتن و ارتباط در دو سطح دانشگاه و عموم با قصد ایجاد تغییر باشد، با سخن‌رانی‌ها و کتاب‌هایش جامعه را در جریان آخرین تأملات‌اش بگذارد و پیوسته آن‌ها را بازخوانی و بازتعریف کند، حتی اگر این نتیجه، در کوتاه‌مدت کام جامعه را تلخ می‌کند (تواضعی، ۱۴۰۰).
- اخته شدن کنشگری علمی: وضعیتی که در نتیجه رهاکردن کنشگری علمی ایجاد می‌شود و کنشگران، در گوشه دنج و عزلت فعالیت‌های صوری و مناسب گرایانه علمی خود را دنبال کنند؛ علاقه‌ای به حضور و مشارکت در کنشهای علمی و اجتماعی ندارند و دچار فقر کنش علمی، ناتوانی و اختگی در تفکر و نگارش علمی هستند. مؤلفه‌های اصلی آن، آشفتگی ذهنی و آشفتگی رفتاری فرد کنشگر است.

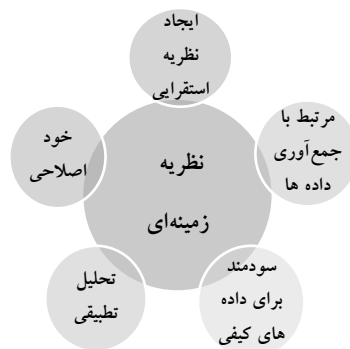
### پیشینه پژوهش

درخصوص نظام معنایی و باورهای دانشجویان درباره دانش، علم آموزی تحقیقات زیادی انجام نشده است، اما با مروری بر تحقیقات صورت گرفته، دانشگاه از انجام رسالت حقیقی خود عقب مانده است. دانشجویان، فرهنگ غالب دانشگاه‌ها را محافظه‌کارانه، مدرک‌گرایی، فردگرایی، ناامیدی، پرولتاریایی، ستایش‌گرایانه، تابعیت، غلبه فرهنگ مردانه، رابطه‌گرایی، تجاری شدن علم توصیف کردند (قاسمی، ۱۳۹۸). میدان درون دانشگاهی و برون دانشگاهی تأثیرات مثبت و مستقیمی بر متغیر (بیگانگی دانشگاهی) دارد (فیروزجاییان، ۱۳۹۷). دانشجویان می‌خواهند با ورود به دانشگاه بزرگ، پایگاه اجتماعی خود را بالاتر ببرند و کسب اعتبار کنند. تعداد کمی از دانشجویان، معنای کسب مهارت در دانشگاه برای اشتغال در آینده را در ذهن داشتند (کوثری، ۱۳۹۶). بین سطح نظری و رفتاری ارزش‌های اخلاق علمی دانشجویان تعارض وجود دارد (نوابخش، ۱۳۹۶). تولیدات علمی و دستاوردهای پژوهشی استادان دانشگاه در ایران بیشتر به صورت غیر جمعی در قالب گروه‌های کوچک دو یا سه نفره تهیه و منتشر می‌شود (جلیلی، ۱۳۹۶). استعمار آکادمیک ظهور می‌یابد و منجر به واکنش‌هایی چون انقیاد ظاهری، اعتراض پنهان، و البته پذیرش و همدستی شده است. این واکنش‌ها منجر به بازتولید استعمار، تقلب پروری، و افول نهاد علم در جامعه شده‌اند (صفایی موحد، ۱۳۹۶). حدود ۷۰ درصد اظهارت، تجربه منفی مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه را بازتاب می‌دهد. تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده‌ی دانشجویان مخدوش و مناقشه آمیز شده است. مقررات خشک حداکثری و روال‌های بوروکراتیک دانشگاه در ادراک زیسته دانشجویان، بازتاب

بسیار ناراحت‌کننده داشته است (فراستخواه، ۱۳۹۴). دانشجویان دارای درک پایینی از ماهیت علم و ابعاد آن دارند (عبدالملکی، ۱۳۹۴). کارکردهای موجود دانشگاه از دید دانشجویان پایین تر از میانگین ارزیابی شد (ستاری، ۱۳۹۴). دانشجویان عمدتاً با نگاه آرمانی وارد دانشگاه می‌شوند و در برخورد با وضعیت نامساعد و محدودیت های دانشگاه و جامعه، انگیزه مهاجرت تحصیلی در آن ها تقویت می‌شود (سوختانلو، ۱۳۹۲).

### روش‌شناسی

پارادایم این پژوهش، پارادایم نسبی‌گرا<sup>۱۹</sup> است و روش‌شناسی این پژوهش، برساختی-تفسیری<sup>۲۰</sup> است. روش تحقیق، نظریه بنیانی<sup>۲۱</sup> است. منشاء این رهیافت به بررسی بارنی گلیرز<sup>۲۲</sup> و آنسلم اشتروس<sup>۲۳</sup>، به ویژه کتاب آنها به نام "کشف نظریه بنیانی" برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد.



شکل شماره ۱: ویژگی‌های نظریه بنیانی

منبع: (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۹۰، ۲۵)

روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است و با توجه به محدودیت‌های ناشی از ویروس کرونا در هنگام انجام مصاحبه‌ها، امکان مصاحبه فیزیکی مهیا نبود و لذا مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام شدند. جامعه پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بودند. در خصوص اندازه نمونه در پژوهش نظریه بنیانی، باید خاطر نشان کرد که نمونه‌گیری آن قدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری<sup>۲۴</sup> حاصل شود. به عبارت دیگر، گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که افزایش اطلاعات به ایجاد مفاهیم، مقولات، خورد مقولات و تنوع‌های جدید منجر نشود (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۹۰، ۶۵). بر این اساس، با تعداد ۱۰ نفر دانشجوی مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. مصاحبه نیمه ساختار یافته<sup>۲۵</sup>، فن جمع‌آوری داده در این پژوهش و روش تحلیل اطلاعات، کدگذاری یا رمزگذاری<sup>۲۶</sup> بود که در آن

<sup>۱۹</sup> Relativism  
<sup>۲۰</sup> Interpretive-Constructivism  
<sup>۲۱</sup> Grounded Theory  
<sup>۲۲</sup> Barney Glaser  
<sup>۲۳</sup> Anselm Strauss  
<sup>۲۴</sup> Theoretical Saturation  
<sup>۲۵</sup> Semi-Structured Interview  
<sup>۲۶</sup> Coding



داده ها تجزیه یا شکسته می‌شوند، مفهوم‌سازی می‌گردند و به شیوه‌های جدیدی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. مدل پارادایمی مبتنی بر شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر و راهبردها، و پیامدها است (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۹۰، ۹۷). پس از انجام هر مصاحبه و یادداشت برداری از میدان تحقیق، نسبت به تنظیم یادداشتها و نگارش محتوای مصاحبه‌ها اقدام شد. به‌منظور کدگذاری باز، ابتدا محتوای مصاحبه‌ها چند بار مطالعه و بازبینی شد و مفاهیم به‌صورت جزء‌به‌جزء مشخص شدند. همچنین یادداشت‌های تحلیلی پس از هر مصاحبه ارائه شد. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط مقولات و خرده مقولات در چارچوب مدل پارادایمی (شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) با یکدیگر برقرار شد و سرانجام مقوله اصلی و مرکزی پژوهش که اخته شدن کنشگری علمی است، در مرحله کدگذاری گزینشی پدیدار گردید. این مقوله به‌گونه‌ای بود که تمام مقولات و زیرمقولات و مفاهیم را پوشش می‌داد. برای اطمینان از قابلیت اعتماد از دو تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شد. نخست، کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش از مشارکت‌کنندگان درخواست شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و در مورد صحت آنها نظر دهند؛ دوم، با مقایسه تحلیلی و رجوع به داده‌های خام، ساخت بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شد. در خصوص رعایت اصول اخلاقی در پژوهش نیز ابتدا هدف و نحوه تحقیق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با کسب رضایت از آنان برای شرکت در پژوهش اقدام به مصاحبه گردید در مورد ضبط محتوای مصاحبه‌ها با اطلاع و موافقت مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط گردید و اصل محرمانه بودن اطلاعات رعایت شد. برای تقدیر و تشکر از شرکت‌کنندگان به دلیل همکاری در این پژوهش، با بودجه شخصی محقق، هدایای نقدی به حساب آنها واریز گردید.

#### یافته‌ها

جدول شماره ۲: اطلاعات کلی شرکت‌کنندگان

شماره	نام	سن	رشته تحصیلی
۱	محسن	۳۲	پژوهشگری
۲	زهرا	۱۹	جامعه‌شناسی
۳	عباس	۳۰	جامعه‌شناسی
۴	مهتاب	۲۶	علوم ارتباطات
۵	میلا	۲۳	علوم ارتباطات
۶	نگار	۲۵	پژوهشگری
۷	فاطمه	۲۳	مردم‌شناسی
۸	محسن	۲۱	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی
۹	علی	۲۴	علوم ارتباطات
۱۰	بهار	۲۲	علوم ارتباطات

در مجموع ۱۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تا رسیدن به اشباع نظری در تحقیق مشارکت کردند. ویژگیهای فردی و اجتماعی آنان در جدول ذیل آورده شده است. لازم به ذکر است مشارکت کنندگان در زمان تحقیق یا در جستجوی کار بودند و یا مشاغل پاره وقت، موقتی و غیرمرتبط با رشته تحصیلی داشتند و در مجموع از وضعیت شغلی خود رضایت نداشتند.

جدول شماره ۳: مفاهیم، خرده مقولات و مقولات اصلی اخته شدن کنشگری علمی

مقوله مرکزی : اخته شدن کنشگری علمی		
مقوله اصلی	خرده مقوله	مفاهیم
استاد وارونه	خشونت نمادین	جانبداری علمی، تحمل عقاید، ظرفیت پایین نقدپذیری، تبعیض میان دانشجویان، تجاوز کلامی، ترش رویی، عدم نظرخواهی درباره شیوه تدریس یا منابع
	کم فروشی	مسئولیت گریزی، ضعف ارائه فیدبک لازم، سطح تعاملات پایین با دانشجو، ارزیابی سطحی، تسهیل تقلب و تحدید نکردن آن، کم کاری در آگاهی بخشی، به روز نبودن منابع تدریس، سطح ناکافی دانش، عدم توانایی مجاب سازی دانشجو
	ماشینی شدن	تدریس رادیویی، اقلیت دغدغه مند و با کیفیت، آموزش بانکی / آپولونی، سالخوردگی
کم داشت های ساختاری	ساختار معیوب آموزش	واحدهای درسی غیرسودمند، ضعف آموزش مهارت محور، فقدان مشاوره های آموزشی و روانشناختی، انفصال دانشگاه و بازار کار، ضعف در تضمین آینده شغلی نخبگان، عدم استقبال بازار کار از تخصص ها، عدم انتخاب استعدادها، توده ای شدن آموزش عالی، کنکور-سیاست انتخابی اشتباه، دروس عمومی بی فایده، گمنامی علوم اجتماعی در شهرستانها
	حذف عاملیت	فقدان آموزش ذهن مندی و شیوه تفکر به دانشجویان، بی توجهی به نیازها و علاقمندیهای دانشجو در طراحی برنامه های درسی، عدم تشویق به فعالیت گروهی، ضعف فضای نقادی، بی انگیزه کردن دانشجو، بی توجهی به نیازها و علاقمندیهای دانشجو در طراحی برنامه های درسی، غرض ورزی در علم، ورود نیروهای سیاسی به دانشگاه، نفوذ گروه های سیاسی در دانشگاه، بی توجهی به قومیت های دانشجو و فرصت های نابرابر
	ضعف	ضعف امکانات آموزشی، قدیمی بودن بنا و امکانات ضعیف

	امکانات آموزشی	(سرویس)، عدم دسترسی به سایتهای معتبر رایگان، نارضایتی از خوابگاه (استفاده حداکثری از ظرفیت اتاقها، چپش نامتجانس هم اتاقیها، فقر بهداشت)
	مدیریت نادرست	ضعف نظارت و برنامه ریزی، ضعف الگوبرداری از کشورهای موفق در حوزه آموزش، عدم مشارکت دانشگاه با سایر نهادها جهت کارایی دانشجویان
بحران معنا	آشفتگی روانی و ذهنی	ضعف انگیزه، خودخوری/ خودسانسوری، پریشانی ذهنی، ضعف اعتماد به نفس، عدم صداقت گفتاری، اخلاق علمی مشروط، بی هدفی، راحت طلبی، ترس از شکست، پذیرش و تایید ناشی از ترس، فقدان میل به پیشرفت، ضعف مهارتهای ارتباطی، فردگرایی، ناآگاهی درباره شیوه مطالعه تخصصی، ناتوانی فردی در ایجاد تغییر، عادی شدن تقلب و توجیه منطقی آن، فقدان آینده‌نگری و هدف گذاری، طردشدگی، فقدان درک فواید علم آموزی، گرایش به کسب مهارتهای نامرتب با رشته، ترس از بیکاری، آگاهی کاذب/ توهم دانایی القاء شده، عدم دغدغه‌مندی علمی، ظرفیت آرزومندی پایین، شک مداوم به مسیر انتخابی، ناامیدی/ دلزدگی
	آشفتگی رفتاری	عدم تمایل به پرسشگری، پرسشگری منفعت طلبانه، فردگرایی خودخواهانه، یادگیری مشارکتی مشروط، خوراک علمی پایین، همدلی بودن، عادی پنداشتن تقلب و توجیه منطقی آن، اعتراض پنهان، فرار از فعالیت گروهی، تمایل به اتمام کلاس، تعاملات کم و مشروط با استاد و همکلاسیها، علم آموزی خودخواهانه (همسریایی)، برند دانشگاه، چشم و هم چشمی، مدرک گرایی و تقلب، افت کیفیت فعالیتهای علمی محول به دلیل حجم زیاد تکالیف درسی
هژمونی ستهای پوسیده	ارزشهای اجتماعی نادرست	تبعیضهای جنسیتی، ناامید کردن فرزندان، بازتعریف اشتباه از دانشگاه در جامعه، اجبار خانواده به تحصیل فرزند، نادیده گرفتن علائق تحصیلی فرزندان، نخبه کشی، بی ارزش پنداشتن برخی رشته‌ها
	سقف شیشه‌ای	سردرگمی زنان میان نقشهای سنتی و مدرن، موفقیت با اتکاء به خود، افکار بازدارنده سنتی و مذهبی، ضعف اجتماعی شدن دختران
نظام شخصیت	هویت درمانده	بی علائقی به رشته تحصیلی، تحصیل از سر اجبار، سرکوب علائق در خانواده
	سرخوردگی علمی	توهم دانایی، دستان خالی، اطمینان از عدم موفقیت پس از تحصیل، ناامیدی از شرایط اجتماعی، بی فایده‌گی علم برای جامعه، دیده نشدن

		توانمندیها
	دگرذیسی ارزشی	تغییر ارزشهای فردی پس از تحصیل، اولویت رضایت از خود
	ستمگری گفتمانی	تظاهر به پذیرش، عدم پذیرش دیگری مخالف با من تحمیل عقیده خود به دیگری در بحث ها
	فرهنگ سکوت	فقدان صمیمیت در میان دانشجویان، بی تفاوتی نسبت به یکدیگر، تشویق به سکوت، فقدان صمیمیت در میان دانشجویان، اعتراض پنهان و سرکوب شده، خودسانسوری، گرایش به سکوت

### استادان وارونه

مفهوم استاد وارونه به روایت استادانی می‌پردازد که در کلاس درس خشونت نمادین دارند یعنی از یک موضع علمی جانبداری میکنند و در برابر شنیدن افکار مخالف با این دیدگاه کم تحمل هستند، دانشجویان را وادار به پذیرش این دیدگاه می‌کنند، به وضوح در کلاس درس میان دانشجویان تبعض قایل می‌شوند، البته این تبعض گاهها رنگ و بوی جنسیتی و جنسی دارد و شامل رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. آنها، در صورت سوال پرسیدنهای مکرر دانشجو، از کوره در رفته و ترش رویی می‌کنند به نحوی که دانشجو جرات سوال پرسیدن مجدد را ندارد. هرگز درباره شیوه تدریس خود یا منابع درسی خواستار مشارکت دانشجو نیستند و نظرسنجی نمی‌کنند. بعد رفتاری دوم این استادان، ماشینی بودن آنها است؛ مانند رادیو فقط مطالب درسی از جزوه قدیمی خود را گویندگی می‌کنند، عموماً سالخورده هستند و از تکنولوژی های آموزشی جدید اطلاع ندارند، این استادان به روش آموزش بانکی در کلاس درس می‌پردازند و دانشجو را در مباحث مشارکت نمی‌دهند. بعد سوم و مهمترین ویژگی آنها، کم فروشی کردن در کلاس های درس است؛ بازخورد لازم را برای رفع ایرادات و کمک به ارتقای دانشجو ارائه نمی‌دهند، ارزیابی سطحی از امتحانات و عملکرد دانشجو دارند، این استادان زمینه تقلب را در کلاس فراهم می‌کنند، دانش کافی و لازم را برای پاسخگویی به سوالات دانشجو در کلاس درس ندارند.

- " واقعاً آدم اصلاً نمیدونه چرا بعضیا دارن درس میدن توی دانشگاه، فن بیان نداره، علم نداره ولی استاد دانشگاه شده، حتی یک مقاله علمی معتبر در یک ژورنال معتبر نداره "
- " حتی به خودشان زحمت تدریس کردن رو نمیدن، فقط از ما انتظار کنفرانس دادن دارن، شاید در طول یک ترم ۳ ساعت کلا درس بدن "
- " استاد از ما انتظار کار پژوهشی داره ولی حتی به خودش زحمت نمیده که بخونه کاری رو که بهش دادیم "
- " حتی راحت و خودشون اعتراف می‌کنند که تبدیل به ماشین مقاله‌نویسی شدن "
- " واقعا برخی اوقات کلاس های درس ظرفیت نقد پذیری ندارند، درحالیکه نقدپذیری برای استاد هم خیلی خوبه چون میتونه به ابعاد جدید موضوع فکر کنه "
- " همش میخواست حرف خودش رو به بقیه تحمیل کنه "
- " من وقتی میبینم استادی جواب بقیه رو خوب نمیده من دیگه سوال نمی‌کنم "

- "استادا خیلی هاشون حتی خودشون برگه های امتحان و تاثیر نمی‌کنن میدن به ترم بالاییها"
- "خیلی هاشون چاپلوسی می‌کنند برای استاد و یا کارهای علمی استاد رو انجام می‌دهند جبران می‌کنند مثلاً کارهای تایپ مقاله های استاد رو انجام میدن"
- "خیلی از استادان واقعا جواب آدم رو میدن و وقت میزارن ولی خیلیا شونم یه هفته بعد جواب میدن شاید اصلاً ندن"
- "یکی از استادها خیلی نظرات جنجالی جنسی داشت، هر چیزی رو سر کلاس به مسائل جنسی ربط می‌داد"
- "یکی از استادها، خیلی مثال های اروتیک می‌زد سر کلاس، خیلی کلاس معذب کننده ای بود چون پسرها هم حضور داشتند و ما بعد از کلاس درس با خیلی از این پسرها میخواستیم چایی بخوریم و حرف بزنیم ولی همش مجبور بودیم خجالت بکشیم و خودمونو جمع می‌کردیم"

### کم‌داشت‌های ساختاری

این مفهوم بیانگر نارضایتی دانشجویان پیرامون ۱. ساختار معیوب آموزش، ۲. حذف عاملیت، ۳. ضعف امکانات آموزشی و ۴. مدیریت نادرست است. در حقیقت؛ دانشجویان از واحدهای درسی غیرسودمند، فقدان آموزش مهارت محور، فقدان مشاوره های آموزشی و روانشناختی، جدا بودن دانشگاه و بازار کار، ناتوانی دانشگاه در تضمین آینده شغلی نخبگان، عدم استقبال بازار کار از تخصص‌ها، عدم انتخاب استعدادها برای بازار کار، توده ای شدن آموزش عالی، کنکور به عنوان یک سیاست اشتباه برای انتخاب استعدادها، و حتی گمنام بودن علوم اجتماعی در شهرستانها اعلام نارضایتی کرده اند. از سوی دیگر، اعتراض آنان شامل موارد دیگری چون بی توجهی به نیازها و علاقمندیهای دانشجویان در طراحی برنامه های درسی، عدم تشویق دانشجویان به فعالیت گروهی، فقدان فضای نقادی در دانشگاه، بی توجهی به نیازها و علاقمندیهای دانشجویان در طراحی برنامه های درسی، ورود و نفوذ گروه ها و نیروهای سیاسی به دانشگاه، بی توجهی به قومیت‌های دانشجویان و فرصت‌های نابرابر بود. متأسفانه دانشگاه در زمینه امکانات آموزشی نیز ضعیف ظاهر شده است؛ قدیمی بودن بنا و امکانات ضعیف، تعطیلی بدون اطلاع سرویس های بهداشتی، عدم دسترسی به سایتهای معتبر رایگان، نارضایتی از خوابگاه (استفاده حداکثری از ظرفیت اتاقها، چپش نامتجانس هم اتاقیها، فقر بهداشت) از دیگر موارد مورد توجه باید باشد.

- "کتابخانه دانشگاه فقط کتابهای قدیمی با چاپ قدیمی داره این مشکل همه دانشجویها هست حتی ما اسم کتاب رو میتونیم سرچ کنیم ولی توی قفسه کتاب پیدا نمیشه"
- "سر کلاس تاریخ تفکر اسلام از استاد پرسیدم به ما چه ربطی داره که ابن سینا چه کار می‌کرد برای چی موبایل همچین چیزایی رو بدونیم و استاد نتونست منو توجیه کنه"
- "خیلی مهمه که به ما توی دانشگاه مهارت یاد بدن نه فقط درس بدن"
- "دانشگاه باید بتونه تضمین کنه که برای ما دانشجویها فرصت های شغلی ایجاد می‌کند ایجاد درآمد میکنه ما را به بازار کار معرفی میکنه"
- "حداقل دانشگاه تضمین کنه که نخبه ها در هر رشته تحصیلی بیکار نخواهند ماند"
- "دانشگاه دانشجوی میگیره ولی اصلاً تضمین نمی‌کنه که این بچه ها آدمهای موفق بشن و بتونن برم سرکار"

- " خیلی استعدادها نابجا آمدن دانشگاه مجبور شدند در حیطه‌ی درس بخون که علاقه ندارند و این کار رو براشون واقعاً سخت میکنه، مثلاً خیلی از بچه‌ها توی کلاس آناتومی واقعاً گریه می‌کردن، یعنی هم فشار خانواده‌ها بوده و همین که چون رتبه لازم را نیاوردی مجبوری چیزی را بخونی که دوست نداری "
- " دانشگاه باید به ایده‌ها احترام بگذارد به تغییری که افراد می‌توانند ایجاد کند احترام بگذارد "
- " یکی از موانع کار علمی در دانشگاه ما اینه که دسترسی به مقالات معتبر رایگان نداریم "
- " کنکور مافیا داره و هر چقدر پول بیشتر بدی امید بیشتری داری "
- " دانشگاه تهران دهن پرکن هست ولی ساختمان قدیمی امکانات نداره حتی در سرویس‌های بهداشتی بسته نمی‌شد و تعمیر جدیدی می‌خواست. کارهای تعمیرات باید توی تابستون انجام بشه ولی توی دوران تحصیل سر و صدا بود و کارهای تعمیراتی انجام می‌دادن "

### نظام شخصیت

از کلیدی‌ترین مفاهیم در این پژوهش، مفهوم نظام شخصیت است که قدرت تشریح بالایی دارد و شامل زیرمقوله‌های هویت درمانده، سرخوردگی علمی، دگردیسی ارزشی و فرهنگ سکوت است. در حقیقت، دانشجویان بی‌علاقه به رشته تحصیلی خود هستند، از سر اجبار تحصیل می‌کنند، علائق آنها در خانواده به دفعات سرکوب شده است. همچنین، توهم دانایی دارند، دستان خالی آنها بیانگر وضعیت نامساعد معیشتی در کشور است، با اطمینان از عدم موفقیت پس از تحصیل صحبت می‌کنند، از شرایط اجتماعی ناامید هستند، به نظر آنها علم برای جامعه ایران فایده‌ای ندارد، توانمندیهای آنان دیده نخواهد شد. در بیشتر موقعیتهای، تظاهر به پذیرش دیگری مخالف با خود می‌کنند اما در واقعیت به دنبال به کرسی نشاندن آرا و عقاید خود در گفتگوها هستند. از جنبه‌های مهم این مفهوم باید به غلبه فرهنگ سکوت در دانشگاه و در میان دانشجویان اشاره کرد؛ فقدان صمیمیت در میان دانشجویان، بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، تشویق به سکوت، اعتراض پنهان، خودسانسوری، گرایش به سکوت در موقعیتهای حساس از ویژگی‌های آن است.

- " با همکلاسی هام زیاد رو در رو بحث ندارم کل آدم خجالتی هستم، ترجیح میدم تو فضای مجازی باهاشون حرف بزنم "
- " به نظر من دانشجوی ما بیشتر درونگرا هستند و خیلی علاقه به سکوت دارند، سطح تعاملات خیلی پایینه و وارد بحث با همدیگه نمیشن "
- " ما ایرانیها نمیتونیم کار گروهی بکنیم خیلی ضعیف هستیم "
- " ما معمولاً اینطوری هستیم که تو استاد ازم چیزی نخوان میریم دنبالش، مثلاً اگر استاد زور کنه فلان نرم‌افزار یاد بگیریم ما میریم دنبالش، من خودم زیاد نرم‌افزارهای تخصصی رشته خودم و مسلط نیستم خیلی کم به اکسل و اس پی اس اس اشراف دارم "
- " من همیشه فکر میکردم که توی دانشجوها خیلی همکاری زیاده و حس رفاقت خیلی زیاده ولی فهمیدم که همه انفرادی هستند زیاد کاری با هم ندارن "

هژمونی سنتهای پوسیده

ارزشهای اجتماعی نادرست و سقف شیشه ای بیانگر مفهوم سنتهای پوسیده هستند. دانشجویان به تبعیضهای جنسیتی معترض هستند، از نگاه آنها بازتعریف اشتباه از دانشگاه و کارکردهای آن در جامعه شده است و منجر به اجبار خانواده به تحصیل فرزند، نادیده گرفتن علائق تحصیلی فرزندان می شود. نخبه کشی و بی ارزش پنداشتن برخی رشته ها در جامعه روی دیگر این سکه است. سقف شیشه ای نیز بیانگر سردرگمی زنان میان نقشهای سنتی و مدرن، سلطه افکار بازدارنده سنتی و مذهبی در جامعه است که مانع از جامعه پذیری دختران و موفقیت زنان در جامعه می شود.

- " تو جامعه ما زیاد به علوم اجتماعی توجه نمیشه تو سیاست هم زیاد به علوم اجتماعی توجه نمی کنی، فرهنگ سازی نشده برای علوم اجتماعی "
- " سنت های قبلی اشتباه، خیلی برای ما سنگینه چون همش به ما میگن موفق نمیشی این رشته رو داری میخونی بازار کار نداره همش میزنم توی ذوق و تو را ناکارآمد جلوه میدن اصلاً انگیزه را می کشند توی آدم "
- " خیلی از دانشجویها واقعا سر خورده اند، چون رشته شان را دوست نداشتند و از سر اجبار اومدن بخونن مثلاً پزشکی دوست داشته ولی چون قبول شده اومده دامپزشکی میخونه "
- " در جامعه ایران برای یک جوون راهی به جز تحصیل نمی مونه اگه تحصیل نکنیم چه کار کنیم؟ همانطور که راهنمایی و بعدش میشه دبیرستان، دبیرستان هم بعدش باید بشه دانشگاه و این تعریف شده "
- " بیشتر خانواده ها علاقمندی بچه ها را ندیده می گیرند مثلاً تو نمیتونی بری هنر بخونی کسی که علاقه به نقاشی داره مجبور به رشته مهندسی بخونه چون خانواده میگه هنر چه رتبه چه درد آیندت میخوره بازار کار نداره و بچه مجبور میشه پا روی علاقه اش بزاره "

### بحران معنا

بحران معنا هنگامی رخ می دهد که فرد در دو بعد ذهنی و رفتاری دچار آشفتگی است و ارزشها و معناهای آکادمیک کم رنگ شده اند و جای خود را به امور غیرعلمی داده اند. گویی فرد دچار فراموشی شده است؛ نمیداند چرا به دانشگاه آمده؟ هدف از تحصیل علم چیست؟ چه تکالیفی در مقام دانشجو بر عهده اوست؟

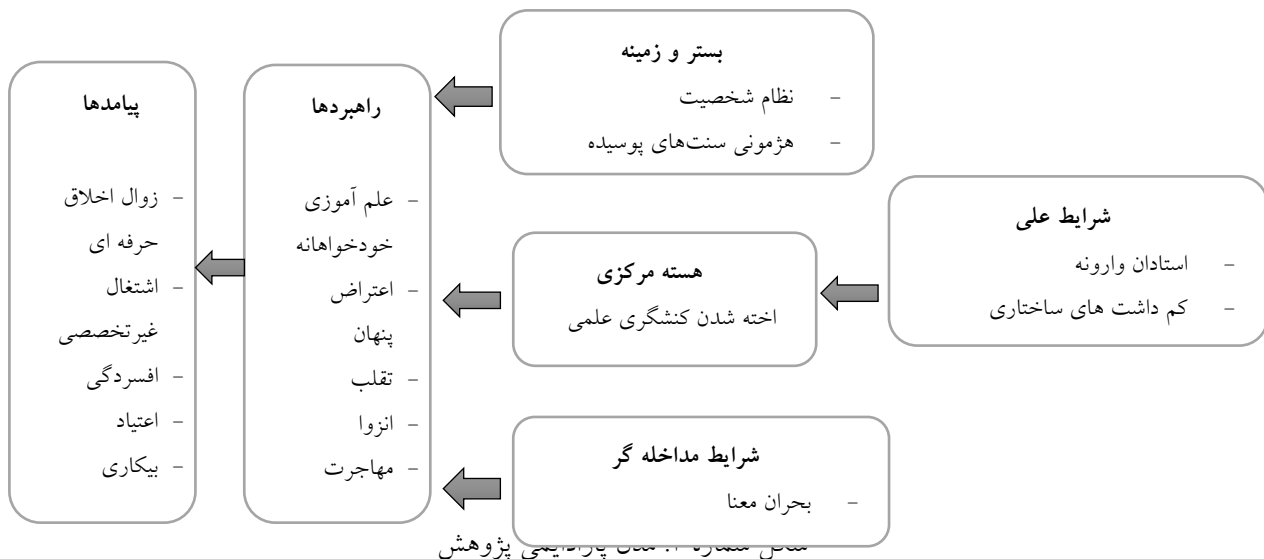
ضعف انگیزه، خودسانسوری، ضعف اعتماد به نفس، عدم صداقت گفتاری، اخلاق علمی مشروط، بی هدفی، راحت طلبی، ترس از شکست، فقدان میل به پیشرفت، ضعف مهارتهای ارتباطی، فردگرایی، ناآگاهی درباره شیوه مطالعه تخصصی، ناتوانی فردی در ایجاد تغییر، عادی شدن تقلب و توجیه منطقی آن، فقدان آینده نگری و هدف گذاری، احساس طردشدگی، فقدان درک فواید علم آموزی، گرایش به کسب مهارتهای نامرتب با رشته، آگاهی کاذب، عدم دغدغه مندی علمی، ظرفیت آرزومندی پایین، شک مداوم به مسیر انتخابی، ناامیدی مداوم همگی از مصادیق آشفتگی ذهنی دانشجو است. آشفتگی رفتاری خود را در رفتارهایی مانند عدم تمایل به پرسشگری در کلاس، پرسشگری منفعت طلبانه، فردگرایی خودخواهانه، یادگیری مشارکتی مشروط، خوراکی علمی پایین، همدلی بودن، عادی شدن تقلب، فرار از فعالیت گروهی، تمایل به اتمام کلاس، تعاملات کم و مشروط با استاد و همکلاسیها، علم آموزی خودخواهانه (همسریابی، برند دانشگاه، چشم و هم چشمی، مدرک گرایی، و افت کیفیت فعالیتهای علمی نشان می دهد.

- " بیشتر دانشجویان دنبال مطرح شدن هستند دنبال این نیستند که واقعیت های علمی رو بگن "

- " من یک کم کار تحقیقی ارائه ندادم ولی دوستان اصرار کردن به کاری رو کپی کن بزن بره ولی من ندادم. واحدهای ما خیلی زیاده، استادان از هر واحد کار پژوهشی می‌خواند به گول چاره ای نمی‌مونه جز اینکه بچه‌ها به سمت تقلب براتون می‌رسند که کار انجام بدن "
- " حتی به بار به استادی به من نمره کم داد ولی من اعتراض نکردم چون میدونستم اون استاد ظرفیت اعتراض نداره "
- " خیلی از استادهای ما را اصلاً بیرون از کلاس نمیتونی پیدا کنی چون آدم‌های برند ای هستن و به آدمهای کله‌گنده مشاوره میدن، فقط به ایمیل اول کلاس از خودشون به بچه‌ها می‌دهند که اونم معمولاً جواب نمی‌دن "
- " توی مقطع کارشناسی زیاد همیشه کارهای پژوهشی ناب انجام داد چون حجم کارهایی که از ما انتظار دارند خیلی زیاده و بنابراین نمی‌تونیم به کیفیت بچسبیم مجبوریم درگیر کمیت بشیم "
- " هنوز نتونستم خودمو پیدا کنم تا چطوری درس بخونم "
- " ما حتی اگر رشته خوب هم قبول بشیم بعدش اصلاً به فرض که پرورش هم پیدا کردیم و بعدش که چی؟ آدم موفقیه که نمیتونی باشی توی جامعه "

### مدل پارادایمی تحقیق

مدل پارادایمی تحقیق بر اساس پنج بعد شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها و پیامدها تنظیم شده است که در تحقیق حاضر شرایط علی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در شکل زیر برای ارائه تصویری کلی‌تر از تحقیق مدل پارادایمی ارائه می‌شود. در مدل پارادایمی تحقیق، مقوله مرکزی، اخته شدن کنشگری علمی است. این مقوله متصل‌کننده مفاهیم و مقولاتی است که ابعاد تجربیات زیسته دانشجویان را نشان می‌دهد. شرایط علی شامل دو مقوله اصلی ۱. استادان وارونه، ۲. کم‌داشت‌های ساختاری، بستر و شرایط زمینه‌ای شامل ۱. نظام شخصیت، ۲. هژمونی سنت‌های پوسیده، و بحران معنا به عنوان شرط مداخله‌گر محسوب می‌شود.



شکل شماره ۱. مدل پارادایمی پژوهش

### جمع بندی و نتیجه‌گیری



در ایران، کنشگری علمی به عنوان رسالت یک دانشجوی در دانشگاه به حالت ناتوان و منفعلانه درآمده؛ دانشجویان کمتر به تعقل، تولید علم، گفت‌وگو، نوشتن، تعاملات دانشگاهی، ایجاد تغییر اجتماعی و آگاهی بخشی به جامعه، می‌پردازند. بیشتر دانشجویان خوراک علمی ندارند، حضورشان در کلاسهای درس، ناشی از الزام مقررات برای گذراندن واحدهای درسی است. آنها برنامه و هدف روشنی برای دوران پس از تحصیل ندارند و به ادامه تحصیل در مقطع بالاتر، فکر نمی‌کنند. در دوران دانشجویی، مهارت‌های لازم را برای مشاغل تخصصی کسب نکرده‌اند؛ آمادگی برای ورود به بازار کار تخصصی را ندارند و مغزهای خالی، ماحصل چهار سال تحصیل در یک دانشگاه خوب ایرانی برایشان بوده است. با اطمینان بالا، از بیکاری پس از فارغ التحصیلی سخن می‌گویند و می‌دانند که قرار است بیکار بمانند و دستان آنها نیز خالی خواهد ماند. بدنبال فشار اقتصادی و بیکاری در جامعه، بیشتر دانشجویان در جستجوی کار هستند، معمولاً در بخشهای غیرتخصصی و نامرتب با تحصیلات خود نظیر منشی اداری، راننده تاکسی و اسنپ و فروشندگی مشغول به کار هستند. بیشترین نارضایتی دانشجویان از استادان دانشگاه، واحدهای درسی عمومی، امکانات دانشگاه و خوابگاه بوده است. در یک تصویر کلی، دانشگاه آن چیزی نبود که قبل از ورود فکرش را می‌کردند. در چنین شرایطی، مسیر انزوا، تقلب، سکوت، ترک تحصیل و مهاجرت را انتخاب می‌کنند و حضورشان در دانشگاه صرفاً برای اخذ مدرک است تا حداقل با دستان خالی به خانه بازنگردند. انگیزه بیشتر دانشجویان از انتخاب این دانشگاه، برند دانشگاه، اجبار خانواده‌ها به ورود به دانشگاه، چشم و هم‌چشمی با فامیل و دوستان و عدم قبولی در سایر رشته‌های موردعلاقه بوده است. پیامدهای این وضعیت، زوال اخلاق در فضای دانشگاه، اشتغال غیرتخصصی، افسردگی دانشجویان، اعتیاد و بیکاری است. در یک سیستم آموزشی معیوب، نمی‌توان انتظار داشت دانشجویان با اهداف علمی به دانشگاه وارد شوند، به تحصیل علم و مراودات علمی بپردازند و خروجی آن تعداد بیشماری نخبه علمی به جامعه باشد. در جامعه نابه‌هنجار، رفتار نابه‌هنجار، نابه‌هنجار است. کنش، در خلاء رخ نمی‌دهد، بلکه پاسخ به محرک‌های محیطی است. کنشهای ناتوان شده علمی، یک شبه و بدون دلیل رخ نمی‌دهد، برگرفته از معنایی است که کنشگران از جامعه دریافت و درونی کرده‌اند، این معناها برگرفته از تاریخ، سنت، مذهب، فرهنگ، اقتصاد و سیاست در ایران است؛ اخته شدن و ناتوانی کنشگری علمی در دانشگاه‌ها، پدیده‌ای چندبعدی است. کنشگر علمی تحت تاثیر ۱- نظام شخصیت خود که برگرفته از نظام شخصیت ایرانی، تربیت خانوادگی، و اثر همسالان است و ۲- سلطه سنت‌های غیرعقلایی با نظام معنایی به دور از ارزشهای علمی وارد یک فضای علمی به نام دانشگاه می‌شود، در تعامل با فرهنگ سکوت غالب در فضای دانشگاه، استادان وارونه، کم‌داشت‌های ساختاری، خودآگاهانه راه انزوی علمی، تقلب، اعتراض پنهان و مهاجرت را انتخاب می‌کند و بدین ترتیب علم تبدیل به ابزاری می‌شود برای رسیدن به اهداف فردی خودخواهانه.

### پیشنهادات

(۱) در سطح کلان، لازم است تا نگاه ما به علم تغییر کند و بپذیریم حضور افراد متخصص در حوزه علم ضروری است. وزیر علوم و سایر پست‌های مدیریتی در حوزه آموزش توسط فردی اشغال شود که دانش آموخته رشته‌های تحصیلی در علوم تربیتی، اجتماعی و برنامه ریزی باشد تا بتواند با نگاه تخصصی به حل مشکلات این حوزه بپردازد.

- (۲) در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌گیریها، به نیازها و خواسته‌های دانشجویان توجه شود. این بی‌توجهی منجر به بی‌اعتمادی، بی‌انگیزگی و ناامیدی در دانشجویان شده است. دانشجوی، یک ضلع مهم و انکارناپذیر در آموزش عالی است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مطالبات این طبقه برای او تصمیم‌گیری نمود و امید به بروندهای مثبت داشت.
- (۳) اولویت برنامه‌های درسی، آموزش مهارت‌های لازم و مرتبط با نیازهای بازار کار در هر رشته تحصیلی باشد، اهمیت دروس نظری و عملی تومانی باید در نظر گرفته شود.
- (۴) کارگاه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های لازم باید بصورت پیوسته و بروز شده براساس آخرین تغییرات در جهان بصورت رایگان برای دانشجویان برگزار شود.
- (۵) ضمانت‌کاریابی برای فارغ‌التحصیلان هر رشته بخشی از دستورالعمل‌های آموزشی دانشگاه باشد، در غیراینصورت، ظرفیت پذیرش در آن رشته باید به حداقل برسد.
- (۶) برگزاری کارگاه‌های انگیزشی و جلسات مشاوره‌های رایگان برای دانشجویان در اولویت قرار گیرد.
- (۷) کلاسهای آموزشی برای یادگیری مهارت کارگروهی مورد توجه قرار گیرد.

#### منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۰). روشهای کاربردی تحقیق؛ کاربرد نظریه زمینه‌ای، جلد دوم. تهران: نشر کیهان.
- برخوردار، رمضان. ۱۳۹۶. چالش‌های آموزش عالی بر مبنای نقد فردریش نیچه از فرهنگ مدرن، فصلنامه پژوهشهای تربیتی، شماره ۳۲
- بردیو، پیر. (۱۳۹۸). انسان دانشگاهی، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: کتاب پارسه.
- تواضعی، جابر (۱۴۰۰) اختگی نهاد دانشگاه، [www.ensafnews.com/308895](http://www.ensafnews.com/308895) /اختگی-نهاد-دانش/۸۰٪/۸۰٪/۸۰٪-تواضعی/ (۲۵ مرداد ۱۴۰۱)
- جلیلی، مهناز. زاهدی، محمدجواد. ارشاد، فرهنگ. ۱۳۹۶. بررسی کارکردها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه (مطالعه موردی اعضای علمی دانشکده‌های علوم اجتماعی تهران). مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۲).
- حسینی لرگانی سیده مریم (۱۳۹۶). تحلیل فرسودگی تحصیلی دانشجویان در نظام آموزش عالی دولتی کشور: شناسایی تعیین‌کننده‌ها و راهکارها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۳۹۶؛ ۲۳ (۳): ۶۹-۴۳
- حیدری، ع.، و راد، م.، و قاسمی، م. (۱۳۹۴). مشغولیت دانشگاهی در آموزش علوم پزشکی و عوامل موثر بر آن: یک مطالعه مروری. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی
- خلفی، شهلا. جوادی یگانه، محمدرضا. نوابخش، مهرداد. ۱۳۹۶. تبیین ارزش‌های نظری و رفتاری اخلاق علمی در میان دانشجویان. راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۴.
- داروییان، س.، و فقیهی، م. (۱۳۹۰). بررسی انگیزه‌ها و علل انجام سرقت علمی در ایران. خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۲(۱)، ۱۳۷-۱۵۴.

- راجی، م.، و باقری، خ.، و ایروانی، ش.، و صباغیان، ز. ۱۳۹۱. نگاهی نو به فلسفه و روش آموزش بزرگسالان در دیدگاه پائولو فریره. نوآوری های آموزشی، ۱۱(۴۳)، ۱۱۳-۱۳۸.
- رفیع پور، فرامرز(۱۳۸۳). موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: علمی
- سپهری منش، مرضیه (۱۳۹۱). مدیریت خانواده در نظام معنایی زنان عضو هیأت علمی دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز و دانشگاه علوم پزشکی شیراز). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز
- سوختانلو، حسین. (۱۳۹۲). انگیزشها و کنشهای راهبردی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در نگارش مقالات علمی بین المللی. مجله مطالعات اجتماعی ایران
- شفق، غلامرضا. ۱۳۸۶. نقد و بررسی پیش فرض ها و زمینه های اجتماعی نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۵.
- صفایی موحد، سعید. ۱۳۹۶. زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۳۴-۷.
- صنعت خواه، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه ها، کار و جامعه شماره ۱۰۹
- عبدالملکی، صابر. درانی، کمال. کرم دوست، نوروزعلی. صدرالاشرفی، مسعود. ۱۳۹۴. ماهیت علم: مطالعه موردی نگرش دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران. نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره ۵.
- غیاثی ندوشن، سعید. ۱۳۹۶. شکاف واقعیت موجود با انتظارات مطلوب دانشجویان از دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه علامه طباطبائی). آموزش عالی ایران، جلد ۹، شماره ۱، صص ۵۶-۲۷.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران : بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر بر آن. تهران: نشر رسا.
- فراستخواه، مقصود. ۱۳۹۴. تجربه‌های زیسته و ادراک‌شده‌ی دانشجویان مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی. آموزش عالی ایران، جلد ۷، شماره ۲، صص ۲۵-۷۰.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۴). سرقت علمی: رهیافت سازمانی، نقد کتاب اخلاق علوم تربیتی و روان شناسی، شماره ۲
- فیروزجاییان، علی اصغر. هاشمیان، بهزاد. ۱۳۹۷. تحلیل جامعه شناختی بیگانگی دانشگاهی؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران. راهبرد فرهنگ، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- قاسمی، افسانه (۱۳۹۸). تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاههای تهران) جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۳.
- قانع‌ی راد، محمدمبین (۱۳۸۱). شیوه جدید تولید دانش: ایدئولوژی و واقعیت. مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۲۸-۵۹.
- کرایب، یان (۱۳۸۱). جامعه شناسی مدرن، عباس مخبر، تهران: آگه
- کوثری، مسعود. خوشنام، مژگان. ۱۳۹۶. تحلیل پدیدارشناسی معنای ذهنی دانشجو از دانشگاه. پژوهش در نظامهای آموزشی. دور ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱۹۳-۱۷۱

- مرجایی، هادی (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی دانشگاهی: مقایسه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در ایران و هند، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، شماره ۳
- معین، پارسا (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی موثر بر شکلگیری کژکاریهای آموزش عالی (با تأکید بر مدرک گرایی)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دهم، شماره سی و هفت
- منیعی، رضا (۱۳۹۶). بررسی میزان مشغولیت دانشجویی در بین دانشجویان دانشگاه ها، طرح پژوهشی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- مولوی، پ.، و رستمی، خ.، و فدایی نایینی، ع.، و محمدنیا، ح.، و رسول زاده، ب. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل. مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۲۵(۱)، ۵۳-۵۸.
- نامور، یوسف. راستگو، اعظم. ستاری، صدرالدین. ۱۳۹۴. کارکردهای دانشگاه از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل. روانشناسی تربیتی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۱-۱.
- نورشاهی، نسرین (۱۳۹۵). بررسی ابعاد فرسودگی شغلی و عوامل مؤثر بر آن در میان اعضای هیأت علمی دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن، طرح پژوهشی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- هابرماس. ترجمه حسینعلی نوذری. ۱۳۷۳. رسالت دانشگاه در جامعه مدرن، مجله رهیافت، شماره ششم.
- همتی، رضا. کیانپور، مسعود. اصلانی، شهناز. ۱۳۹۳. گونه شناسی هویت دانشگاهی و ارتباط آن با منابع درون دانشگاهی هویت یابی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۱۳).
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. ۱۳۹۷. تاملی در فعالیتهای علمی در دانشگاهها، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، شماره ۳.